



دانشگاه الزهراء
دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه
جهت اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد
رشته‌ی فلسفه و کلام اسلامی

عنوان
مقایسه‌ی دیدگاه فخررازی و ملاصدرا درباره‌ی مراحل تکون نفس
انسانی بانظر به یافته‌های جدید جنین‌شناسی

استاد راهنما
دکتر زهره توازیانی

دانشجو
معصومه کریمی احمدآبادی

مهر ماه ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه الزهراء
دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه
جهت اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد
رشته‌ی فلسفه و کلام اسلامی

عنوان
مقایسه‌ی دیدگاه فخررازی و ملاصدرا درباره‌ی مراحل تکون نفس انسانی
بانظر به یافته‌های جدید جنین‌شناسی

استاد راهنما
دکتر زهره توازیانی

استاد مشاور
دکتر شکوفه گلخو

دانشجو
معصومه کریمی احمدآبادی

مهر ماه ۱۳۹۰

کلیه‌ی دستاوردهای این تحقیق متعلق به
دانشگاه الزهرا (سلام الله علیها) می‌باشد.

تقدیم به :

آن یگانه نفس کامل عالم هستی که قلبها در انتظار قدمش

می تپد و نَفَس ها به امید آمدنش برمی آید.

حمد و سپاس می‌گوییم پروردگار عالمیان را که با چنان عظمت لایتناهی‌اش ، وجود ناچیزی چون ما را نیز غریق رحمت خود ساخته ، همواره و در هر لحظه ، به فیض مقدسش هستی‌مان بخشیده و یاری‌مان ساخته است.

و سپاس می‌گوییم آن خورشید عالم تاب را ، آن واسطه‌ی آسمان و زمین ، آن یگانه انسان کامل عالم هستی ، همو که اگر نظر لطفش نبود ، هرگز کار به سرانجام نمی‌رسید.

و باز تشکر و قدردانی می‌نماییم از اساتید عزیزم ، استاد دکتر زهره توازینی و استاد دکتر شکوفه گلخو که چون راهبرانی راه آشنا ، قدم به قدم مسیر صحیح را برایم روشن ساختند.

و نیز تشکر و قدردانی می‌کنم از همسر مهربان و پدر و مادر عزیزم و همه‌ی کسانی که با صبر و شکیبایی خود مرا در به سرانجام رسیدن این پژوهش یاری نمودند.

چکیده

این رساله که با عنوان مقایسه‌ی دیدگاه فخررازی و ملاصدرا درباره‌ی مراحل تکون نفس انسانی با نظر به یافته‌های جدید جنین‌شناسی به رشته‌ی تحریر درآمده است، در پی مقایسه‌ی آراء این دو دانشمند مسلمان در خصوص تکون بدن و پیدایش نفس ناطقه با نظر به یافته‌های علمی اثبات‌شده‌ی کنونی در باب جنین‌شناسی است. آنچه این مطلب را با اهمیت می‌نماید این است که فلاسفه برای اثبات وجود نفس، به آثار آن رجوع می‌نمایند و پی بردن به آثار نفس امری تجربی است. این درحالی است که امروزه به واسطه‌ی وجود امکانات پیشرفته، مباحثی که در رابطه با زمان پیدایش آثار مختلف و متعدد در جنین مطرح است، قابل اثبات به وسیله‌ی مشاهده گردیده و تا حدودی با آنچه این دو فیلسوف در زمان خود بدان دست یافته بودند، متفاوت است. لذا در مقایسه‌ای که در این باب صورت گرفته است، نشان داده شده که ملاصدرا با مبانی خاص خود به دیدگاه‌هایی در خصوص نفس ناطقه رسیده است که با دیدگاه فخررازی متفاوت می‌باشد و با اینکه فخررازی عنایتش به مسائل تجربی بیشتر از ملاصدرا بوده، اما یافته‌های جنین‌شناسی مؤیدات بیشتری را برای تفسیر صدرایی از تکون نفس فراهم می‌کند. رساله‌ی حاضر با تمرکز خاصی که بر تکامل جنین دارد، نشان می‌دهد که نقاط قوت و ضعف هر دو نظریه در استشهادات تجربی کدامند.

کلید واژه: ملاصدرا، فخررازی، تکون نفس، تکون بدن، تکامل جنین.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول : کلیات
۲	۱-۱- مقدمه
۵	۲-۱- طرح پژوهش
۵	۱-۲-۱- پرسش پژوهش و تبیین آن
۵	۲-۲-۱- پرسش‌های پژوهش (پرسش‌های فرعی)
۵	۳-۲-۱- فرضیات پژوهش
۶	۴-۲-۱- اهداف پژوهش و ضرورت آن
۶	۵-۲-۱- پیشینه‌ی پژوهش
۹	فصل دوم : مقایسه‌ی دیدگاه فخررازی و ملاصدرا درباره‌ی مراحل تکون نفس انسانی
۱۰	۱-۲- تعریف نفس
۱۰	۱-۱-۲- تعریف نفس از نظر فخررازی و استدلال او بر وجود آن
۱۳	۲-۱-۲- تعریف و ادله‌ی وجود نفس از نظر ملاصدرا
۱۴	۲-۲- اقسام نفس
۱۴	۱-۲-۲- اقسام نفوس ارضی از منظر فخررازی

۱۵	۲-۲-۲- اقسام نفوس ارضی از منظر ملاصدرا
۱۵	۳-۲- خصوصیات نفس
۱۶	۱-۳-۲- مقایسه‌ی دیدگاه فخررازی و ملاصدرا در باب تفاوت نفس و مزاج
۱۹	۲-۳-۲- مقایسه‌ی دیدگاه فخررازی و ملاصدرا در باب نحوه‌ی تعلق نفس به بدن
۲۳	۳-۳-۲- مقایسه‌ی دیدگاه فخررازی و ملاصدرا در خصوص وحدت نفس
۲۶	۴-۳-۲- مقایسه‌ی دیدگاه فخررازی و ملاصدرا در باب تعدد قوای نفس
۳۲	۵-۳-۲- مقایسه‌ی دیدگاه فخررازی و ملاصدرا در مورد حدوث نفس
۴۲	۴-۲- مقایسه‌ی مراحل تکون نفس انسانی از منظر فخررازی و ملاصدرا
۴۳	۱-۴-۲- بیان تفصیلی تکامل بدن انسانی و تعلق نفس به آن از منظر فخررازی
	۲-۴-۲- بیان تفصیلی تکامل بدن و نفس انسانی و جایگاه جنین در این سیر تکاملی از منظر ملاصدرا
۵۳	فصل سوم : تکامل جنین از منظر جنین شناسان
۶۳	۱-۳- مقدمه
۶۵	۲-۳- سلول
۷۷	۳-۳- سلول تخصص یافته‌ی جنسی
۷۷	۱-۳-۳- سلول جنسی مذکر
۷۹	۲-۳-۳- سلول جنسی مؤنث
۸۱	۴-۳- لقاح
۸۴	۵-۳- ماه اول
۸۴	۱-۵-۳- هفته‌ی اول
۸۵	۲-۵-۳- هفته‌ی دوم
۹۱	۳-۵-۳- هفته‌ی سوم
۹۴	۴-۵-۳- هفته‌ی چهارم
۹۹	۶-۳- ماه دوم

۹۹ ۳-۶-۱- هفته ی پنجم
۱۰۱ ۳-۶-۲- هفته ی ششم
۱۰۳ ۳-۶-۳- هفته ی هفتم
۱۰۵ ۳-۶-۴- هفته ی هشتم
۱۰۷ ۳-۷- ماه سوم
۱۱۱ ۳-۸- ماه چهارم
۱۱۳ ۳-۹- ماه پنجم
۱۱۷ ۳-۱۰- ماه ششم
۱۲۱ ۳-۱۱- ماه هفتم
۱۲۴ ۳-۱۲- ماه هشتم
۱۲۸ ۳-۱۳- ماه نهم
۱۲۸ ۳-۱۴- نکاتی درباره ی تولد
۱۳۲ فصل چهارم : تحلیل ، بررسی و نتیجه گیری
۱۵۰ پیشنهادات
۱۵۲ فهرست منابع

فصل اول کلیّات

۱-۱- مقدمه

علم فلسفه علم تفسیر جهان براساس مبانی عقلی است. برای این که این تفسیر ، هرچه بیشتر به واقعیت و حقیقت نزدیک باشد ، فیلسوف ناگزیر است اطلاعات صحیح و دقیقی از جهان پیرامون خود دریافت نماید تا بتواند با بهره‌گیری از آن‌ها به عنوان مقدمات و پیش نیازهای تفکر عقلی ، تفسیر صحیحی را درمورد جهان هستی ارائه دهد و البته می‌دانیم که علوم دیگر نیز در دریافت حقیقت هستی مدد رسان فلسفه بوده و هستند.

در تمام طول تاریخ هیچ فیلسوفی را نمی‌توان یافت که بدون استفاده از شواهد عینی و تجربی پیرامون خود و صرفاً با استفاده از تفکر و تعقل ، به مطلب صحیحی درباره‌ی عالم هستی نائل آمده باشد چراکه همه‌ی متفکرین محدودیت تفکر و تعقل انسانی را پذیرفته‌اند.

آن چه امروزه به عنوان حکمت و فلسفه‌ی اسلامی مورد توجه قرار گرفته است نیز از این قاعده مستثنی نیست. بخصوص با توجه به اینکه میراث گرانبهای حکمت و فلسفه‌ای که برای ما به یادگار مانده است ، توسط کسانی نگارش یافته که در زمان خود نه تنها به علوم خاص عقلی بلکه به علوم متعددی احاطه داشتند و در آن زمان تفکیک علوم آنچنان که امروزه شاهد آن هستیم اساساً مرسوم نبوده است.

از سوی دیگر درمیان مباحث فلسفی نیز ، سخن از وجود و هستی انسان یکی از بحث برانگیزترین مسائلی بوده و هست که فکر همگان را به خود مشغول نموده ، این که انسان چگونه موجودی است و در رابطه با جهان هستی ، چه مرتبه‌ای از وجود را داراست.

شناخت انسان برای فلاسفه‌ی معتقد به مبانی اسلامی از جهتی دیگر نیز حائز اهمیت است زیرا این شناخت می‌تواند او را به شناخت پروردگارش رهنمون گردد: « مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ ». و البته موجود انسانی، موجودی تک بعدی نیست بلکه موجودی دارای ابعاد بسیار است که بررسی تمامی آن‌ها برای دستیابی به حقیقت وجود او امری اجتناب ناپذیر است. فلاسفه‌ی گذشته نیز توجه کامل به این مسأله داشته و تلاش نموده‌اند او را از جهات و ابعاد مختلف مورد مطالعه قرار دهند. لذا برخی معتقد گشتند انسان موجودی صرفاً مادی نیست بلکه وجودی مادی به نام بدن و وجودی غیرمادی به نام نفس دارد. آنگاه براین مبنا تحقیقات پی‌درپی برای کشف حقیقت بدن و نفس آغاز شد. در بعد مادی، یافته‌های طبیعیات قدیم مورد توجه و استناد قرار گرفت و برمبنای آن‌ها استدلال‌ات و نتایج متعددی به دست آمد.

اکنون با تغییرات عدیده‌ای که در یافته‌های علوم از جمله علم زیست‌شناسی و آناتومی به وجود آمده، برآن شدیم که در پژوهشی، همان سیر را دنبال کرده و تلاش نماییم واقعیت بدن و نفس و جایگاه حقیقی انسان در مراتب وجود را از دیدگاه فلسفی، مبتنی بر یافته‌های جدید مورد ارزیابی قرار دهیم.

در این میان گستردگی بحث، ما را برآن داشت که به تحدید موضوع بپردازیم. نخست این‌که بخشی از حیات و هستی موجود انسانی را تقطیع کرده و مورد مطالعه قراردهیم. این بخش اولین مرحله‌ی هستی یافتن انسان یعنی دوره‌ی تکامل جنینی او در نظر گرفته شد زیرا برای شناخت دقیق یک موجود باید از ابتدای هستی او آغاز نمود.

در ادامه‌ی مسیر برآن شدیم تا از دیدگاه دو متفکر بزرگ در مباحث فلسفی بهره‌گیریم و آن دو فیلسوف، حکیم صدرالمتهلین و فخررازی انتخاب گردید. علت انتخاب ملاصدرا، این است که در مجامع کنونی فلسفه‌ی اسلامی، حکمت متعالیه و مباحث فلسفی طرح شده از جانب او از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و از نظر زمانی نیز پس از او شخصیتی با چنان شهرت و مقامی در علوم فلسفی دیگر مطرح نگردید و می‌بینیم که همچنان کتب وی به عنوان کتب مرجع در مجامع فلسفی مورد توجه است.

اما عنایت به فخررازی در این پژوهش بدین دلیل است که با تمام احترام و علو مرتبه‌ای که برای ملاصدرا قائلیم ، باید گفت که نمی‌توان پذیرفت او حرف آخر را در علم فلسفه بیان نموده باشد. لذا برآن شدیم تا از گرایش دیگری غیر از حکمت متعالیه نیز بهره ببریم.

فخررازی فردی است که در گرایش مشائی ارتباط نزدیکی با معتقدات حکیم ابن سینا دارد و یکی از شارحان مشهور *اشارات* اوست. همچنین در مباحث فلسفی او استفاده از علوم تجربی به وفور یافت می‌شود که کار پژوهش را برای دستیابی به مقدمات تجربی مباحث فلسفی آسان می‌گرداند. و از همه مهم‌تر این که ملاصدرا استفاده‌های فراوانی از مطالب فلسفی فخررازی نموده است و این مسأله در بحث نفس به خوبی مشهود است.

در نتیجه هر دو فیلسوف را به عنوان شخصیت‌های شاخص در این باب برگزیده و تلاش نمودیم آن‌چه را ایشان با بهره‌گیری از طبیعیات قدیم در رابطه با نفس و بدن بدست آورده‌اند ، اکنون با استفاده از یافته‌های علم تجربی کنونی از نو بررسی نماییم تا بتوانیم موضوع خاص خود را هرچه بیشتر به واقعیت نزدیک سازیم.

۱-۲- طرح پژوهش :

۱-۲-۱- پرسش پژوهش و تبیین آن :

دیدگاه ملاصدرا و فخررازی درباره‌ی مراحل تکون نفس انسانی تا چه اندازه با یافته‌های

جنین‌شناسان مطابقت می‌کند؟

مسأله‌ی تکون نفس در جنین شناسی و علوم زیستی که از شعبات علوم تجربی محسوب می‌شود ، با آثار ظاهری حیات و حرکت در جنین معلوم می‌گردد که برای پیدایش اش مراحل از رشد و نمو را پشت سر می‌گذارد و این‌ها تماماً با کاوش های علمی قابلیت رهگیری دارند. از سوی دیگر برخی از فیلسوفان و اندیشمندان نیز به تناسب بحث‌های فلسفی خود ، متعرض مسأله‌ی تکون نفس شده‌اند و به نتایجی رسیده‌اند که بعضاً با مطالعات تجربی در این زمینه همخوانی دارند. لذا مطالعه‌ی این مسأله در دو حوزه‌ی عقلی و تجربی و در مقایسه آراء دو حکیم برجسته یعنی ملاصدرا و فخررازی با یافته‌های علمی ، مشغولیت اصلی رساله‌ای با این سؤال اصلی است.

۱-۲-۲- پرسش‌های پژوهش (پرسش‌های فرعی) :

۱) فخررازی مراحل تشکیل و رشد نطفه‌ی انسانی و تعلق نفس به بدن را چگونه تبیین می‌کند؟

۲) ملاصدرا مراحل تشکیل و رشد نطفه‌ی انسانی و تعلق نفس به بدن را چگونه تبیین می‌کند؟

۳) جنین شناسان چه مراحل را در سیر تکاملی جنین و ظهور آثار نفسانی ترسیم می‌کنند؟

۴) آراء فخررازی و ملاصدرا درباره‌ی مراحل تکون نفس تا چه اندازه مؤیدات علمی دارد؟

۱-۲-۳- فرضیات پژوهش :

۱) فخررازی تعلق نفس به بدن را از نوع تعلق دفعی و پس از رشد ابتدایی بدن می‌داند که

تعارضی با مراحل علمی ندارد.

۲) ملاصدرا تعلق نفس به بدن را در واقع تعلق صورت به جسم معدنی می‌داند که با حرکت جوهری و سیر تکاملی در شرایط خاص ، ماده‌ی آن جسم معدنی به بدن و صورت معدنی به نفس تبدیل می‌شود یعنی نفس را جسمانیه الحدوث می‌داند.

۳) جنین شناسان در تبیین سیر تکامل جنین ، علاوه بر تلقیح و عبور از ظلمات ثلاث ، اموری چون حرکت و احساس را برای جنین اثبات می‌کنند اما مشخصاً از امری به نام نفس ، آنچنان که فلاسفه بدان قائلند ، سخن نمی‌گویند.

۴) آراء ملاصدرا درباره‌ی جسمانیه الحدوث بودن نفس با این که مبتنی بر استدلال است ، با فعل و انفعالات سیر تکاملی جنین از جهاتی مؤیدات بیشتری دارد. با این که فخررازی در این مسأله بیشتر به مطالعات تجربی تکیه دارد ، اما نتایج حاصل از مطالعات وی مؤیدات تجربی کمتری دارد.

۱-۲-۴- اهداف پژوهش و ضرورت آن :

نظر به این که عصر جدید ، عصر مقابله‌ی اندیشه‌هاست و وجود مسائل چند تباری در این مقابله‌ها بیشتر از مسائل دیگر مورد بحث قرار می‌گیرد و همین امر داوری را مشکل تر می‌نماید ، به نظر ضروری می‌رسد در فضایی به دور از پیش داوری‌ها مسائلی از این قبیل که در رهگذر رهیافت‌های متفاوت مورد اذعان قرار گرفته‌اند ، مورد مطالعه قرار گیرند. با تشخیص این ضرورت و با این هدف که نظرات فلسفی مؤید به حوزه‌های تجربی ، مؤیدات مصداقی‌شان تا چه اندازه است ، این تحقیق شکل گرفته است. ضمن این که تحقق توصیه‌های قرآنی بر تدبر در آیات خلقت در دو بستر علم و فلسفه که دو نگاه به عالم‌اند - همان طور که اشارت رفت - از اهداف عالی تر این پایان نامه است.

۱-۲-۵- پیشینه‌ی پژوهش :

براساس بررسی‌های انجام شده ، در رابطه با مؤلفه‌های این موضوع به طور جداگانه پژوهش‌های متعددی انجام شده است. از جمله‌ی مقالاتی که در زمینه‌ی نفس از دیدگاه فلاسفه‌ی مورد نظر ما به رشته‌ی تحریر در آمده است عبارتند از :

۱) ارشد ریاحی ، علی ؛ «*نفس انسانی در حکمت مشاء و متعالیه*» ، مؤسسه‌ی پژوهشی حکمت و فلسفه‌ی ایران ، ۱۳۷۰ .

۲) رحیمی کیکانلو ، مهدی ؛ «*حدوث و بقاء نفس ناطقه از نظر ابن سینا و صدرالمتهلین*» ، دانشگاه فردوسی مشهد ، ۱۳۸۴ .

۳) مباشر امینی ، علی رضا ؛ «*ارتباط نفس با بدن در حکمت متعالیه و فلسفه‌ی مشاء و اشراق*» ، دانشگاه آزاد اسلامی ، ۱۳۷۹ .

۴) مهدوی آزادبندی ، رمضان ؛ «*بررسی تطبیقی مسأله‌ی نفس در دیدگاه شیخ الرئیس ابن سینا و فخررازی*» ، دانشگاه صادق علیه السلام واحد برادران ، ۱۳۷۷ .

اما در رابطه با ترکیب و تطبیقی که ما در این مؤلفه‌ها ایجاد نمودیم ، چه در مقایسه‌ی دو دیدگاه ملاصدرا و فخررازی در این زمینه و چه مقایسه و بررسی میان دو علم فلسفه و زیست‌شناسی در این موضوع ، طبق بررسی انجام شده ، پژوهشی تاکنون بدین نحو به رشته‌ی تحریر درنیامده است.

در پایان ذکر چند نکته خالی از لطف نیست :

۱) در تمامی پژوهش تا حد توان رعایت امانت صورت گرفته و مطلبی یافت نمی‌شود که از نویسنده یا پژوهشگری گرفته شده اما نام او و منبع مورد استفاده ذکر نشده باشد. بنابراین موارد فاقد ارجاع ، دیدگاه خود پژوهشگر است.

۲) در تمامی مراحل پژوهش تلاش شده بدون هرگونه پیش‌داوری ، مطلب عیناً همان چیزی باشد که هر یک از فلاسفه‌ی مورد نظر بدان معتقدند.

۳) در فصل اول پژوهش ، تلاش شده تا حد امکان از اصل کتب دو فیلسوف گرانقدر به زبان عربی استفاده شود و کمتر به ترجمه رجوع گردد. لذا مواردی که کتاب علاوه بر اصل متن ترجمه نیز دارد اما نام آن برده نشده ، بدین دلیل است که تنها به اصل متن عربی رجوع گردیده است.

۴) به دست آوردن دیدگاه دقیق دو فیلسوف مورد نظر از سختی خاصی برخوردار بود زیرا از طرفی پراکندگی فراوانی در ارائه‌ی مطالب از جانب هر دو فیلسوف مورد نظر وجود داشت و از طرف

دیگر به دست آوردن این که مطلب نوشته شده اعتقاد مستقیم خود فیلسوف است یا او بنا بر مشی هم مشربانش سخن گفته ، برسختی کار می افزود.

۵) در مبحث جنین شناسی ، گر چه برخی کتب ، مراحل رشد جنین را به صورت ماه به ماه ذکر کرده اند ، اما جهت استحکام مطلب ، سعی شده مراحل مختلف تکامل جنین از میان کتب تخصصی در این زمینه بدست آید و البته از میان مطالب فراوانی که در این رابطه وجود دارد ، صرفاً به بیان آن مقدار از مطالب اکتفا شده که هم از طرفی سیر روشنی را در ذهن مخاطب درباره ی جنین و رشد او ترسیم کند و نیاز او را برای رجوع مجدد به کتب در این زمینه منتفی نماید و هم به اطالهی کلام نیانجامد و در محدوده ی موضوع پژوهش جهت نتیجه گیری صحیح در فصل پایانی باشد.

۶) در نهایت در فصل تحلیل و بررسی ، تلاش شده بدون هرگونه تعصبی هرآن چه را که مقدمات نتیجه می دهد ، بیان شود و این مسأله حتی اگر به مذاق برخی دوستداران خاص ملاصدرا خوش نیاید باز قابل ذکر است که این مشی علمی دقیقاً همان منشی است که خود حکیم آن را در پیش گرفته بود زیرا او نیز در زمان خود تلاش نمود آن چه را به واقعیت نزدیک است ، بیان نماید حتی اگر دیگر هم مشربانش آن را نپذیرند.

فصل دوم

مقایسه‌ی دیدگاه فخررازی و ملاصدرا

درباره‌ی مراحل تکون نفس انسانی

۲-۱- تعریف نفس

بر اساس رأی دانشمندان علم منطق ، در بررسی هر موضوعی سیر منطقی خاصی را باید پیمود تا بتوان حق مطلب را ادا نمود یعنی ابتدا تعریف اجمالی موضوع ، سپس اثبات وجودش ، پس از آن تعریف حقیقی آن و در نهایت خواص و آثار موضوع باید بیان گردد. ما نیز در این بخش تلاش می‌کنیم بر اساس این سیر منطقی البته به اختصار مطالب را بیان نماییم :

۲-۱-۱- تعریف نفس از نظر امام فخر رازی و استدلال او بر وجود آن

فیلسوفانی که به وجود نفس قائل بوده و هستند ، در مقام تعریف نفس آرائی بعضاً متفاوت دارند که گاه به زحمت می‌توان به تعریف جامعی در میان آنان دست یافت. امام فخر رازی به عنوان یک متکلم و فیلسوف ، در تعریف خود از نفس همچون بسیاری از اندیشمندان مسلمان و امدار تفکر ارسطویی است. او نفس را اینگونه تعریف می‌کند :

« نفس کمال اول است برای جسم طبیعی آلی ذی حیاة بالقوة^۱ »

در این تعریف ، عناصری وجود دارد که خود امام فخر در *المباحث المشرقیة* توضیح قیود تعریف را بدین شرح آورده است :

(۱) فخرالدین رازی ، محمد بن عمر ، *المباحث المشرقیة فی الالهیات و الطبیعیات* ، چاپ دوم ، انتشارات بیدار ، قم ، ۱۴۱۱ ق ، ج ۲ ، ص ۳۷۸.